

بانکداری خصوصی و نقش آن در رشد اقتصادی ایران

انور خامه‌ای

در این مقاله نخست نگاه کوتاهی به پیدایش بانکداری خصوصی و نقش آن در رشد اقتصادی کشورهای صنعتی بزرگ می‌افکنیم، سپس نقش بانکداری خصوصی را از نظر عوامل اساسی رشد اقتصادی مورد بررسی قرار می‌دهیم. در بخش سوم به تحلیل وضع بانکداری خصوصی ایران می‌پردازیم و سرانجام در آخرین بخش این مقاله با توجه به نتایجی که در بخش‌های پیشین گرفته‌ایم نقش بانکداری خصوصی ایران را در رشد اقتصادی کشور مورد رسیدگی و تحلیل قرار خواهیم داد.

الف - پیدایش بانکداری خصوصی و نقش آن در رشد اقتصادی کشورهای صنعتی بزرگ

پیدایش بانکداری خصوصی در جهان سیری درست مخالف پیدایش آن در کشور ما داشته است. در کشور ما بر اثر شرایط اجتماعی و اقتصادی خاصی دولت مبتکر ایجاد بانکداری بوده و حدود یک‌ربع قرن احتیاجات بانکداری کشور را تنها بانک‌های دولتی برطرف می‌ساخته‌اند و هنوز نیز این بانک‌ها عامل مهمی در نظام بانکی کشور به‌شمار می‌روند. در کشورهای صنعتی بزرگ برعکس بخش خصوصی مبتکر ایجاد بانکداری بوده، و پیش از یک‌قرن مداخله دولت را در این کار زیان بخش می‌پنداشته‌اند. بحران‌های متعدد و ورشکست‌های فراوانی لازم بوده است تا جهان صنعتی متوجه ضرورت دخالت و نظارت دولت در نظام بانکی شود. هنوز نیز در بسیاری از این کشورها دخالت دولت در نظام بانکی تنها از طریق بانک مرکزی یا مؤسسات مشابه آن، مانند فدرال رزرو و معدودی بانک‌های تخصصی صورت می‌گیرد و بانک‌های تجاری مطلقاً در اختیار بخش خصوصی است.

تاریخ پیدایش بانک‌های خصوصی اروپا به قرن شانزدهم و هفدهم میلادی می‌رسد یعنی همزمان با آغاز خیز اقتصادی و پیدایش روحیه سرمایه‌داری می‌باشد. ماجرای زرگرانی که از انبارداری تقدینه ثروتمندان به راز بانکداری پی می‌برند در کتاب‌های درسی اقتصاد نگاشته شده است. اما عاملی که در پیدایش بانکداری نقشی مهمتر از این انجام داده، وجود صرافان لومبارد بوده

است، که به گسترش بازرگانی اروپا و در نتیجه رشد اقتصادی کشورهای صنعتی کمک فراوان کرده‌اند. آنچه به هیچ روی انکارپذیر نیست همزمان بودن پیدایش بانکداری خصوصی با انقلاب صنعتی و خیز اقتصادی است. بانک انگلستان در ۱۶۹۴ به دولت وام می‌دهد و از او امتیازات اقتصادی مهمی می‌گیرد. بانک آستردام در ۱۷۰۸ و بانک فرانسه در ۱۸۰۰ تأسیس می‌شوند. اما گسترش واقعی بانکداری مخصوص قرن نوزدهم یعنی دوران رشد جامعه‌های صنعتی است. تأسیس بانک‌های سپرده‌گیر *Banques de dépôt* مقدم بر بانک‌های سرمایه‌گذار *Banques d'affaires* است. در انگلستان و فرانسه نیمه قرن نوزدهم بانک‌ها عموماً سپرده‌گیراند و وظیفه آنها جلب پس اندازها و به کار انداختن آن در محل‌های مطمئن داخلی و خارجی است، رشد اقتصادی داخلی به آسانی پیش می‌رود و بیشتر به وسیله سرمایه‌های خصوصی تأمین می‌گردد. بانک‌ها ذخیره‌های پراکنده را بصورت سپرده جلب می‌کنند و به صورت وام به دولت، اشراف، ملاکان و بازرگانان ثروتمند بابت بهره نسبتاً زیاد وام می‌دهند، یا سهام و اوراق قرضه مطمئن را می‌خرند، هدف آنها سود هرچه بیشتر از راه معاملت است، به سود بردن از راه سرمایه‌گذاری هنوز توجه چندانی ندارند.

در آغاز نیمه دوم قرن نوزدهم، کشف و استخراج هنگفت معادن طلای کالیفرنیا تعادل اقتصادی جهان صنعتی را برهم زد، و یک دوره رشد سریع اقتصادی را در پی داشت. تولید طلای جهان از ۵ میلیون به ۲۸ میلیون لیره استرلینگ رسید و تورم شدید در سراسر جهان آشکار گردید. در فرانسه غیر از بانک فرانسه که از کمک دولت برخوردار بود، تمام بانک‌های ناحیه‌ای ورشکست شدند و بانک فرانسه به صورت بانک مرکزی درآمد. بدنبال این بحران بود که بانکهای عالی *Haute Banques* پدیدار شدند. این بانک‌ها متعلق به خانواده‌های ثروتمند و اکثراً پروتستان یا یهودی بودند، مانند روتچیلد، ماله، سیرابو و غیره. این بانک‌ها علاوه بر جلب سپرده‌ها اعتبارات درازمدت به صنایع خانوادگی و مطمئن می‌دادند یا سهام و قرضه‌های آنها را معاملت می‌کردند. ولی هنوز از سرمایه‌گذاری مستقیم امتناع داشتند. اما تورم و افزایش سریع قیمت کالاها رشد گسترده‌تر و سریع‌تر صنعت و اقتصاد را ایجاب می‌کرد. بدین سان برادران پیررئ اولین بانک سرمایه‌گذاری را بنام بانک اعتبارات منقول *Credits mobiliers* تأسیس کردند که بنام خود سهام و قرضه منتشر می‌کرد و با درآمد آن سهام شرکت‌های نوپای صنعتی را می‌خرید و پس از مدتی که چرخ آنها بگردش می‌افتاد، مجدداً سهام آنها را می‌فروخت. بدین طریق کارخانه‌های زیادی با کمک این بانک تأسیس گردید و بنیان رشد صنعتی فرانسه گذاشته شد. در ۱۸۶۳ هانری ژرمن بانک کردی لیونه را تأسیس کرد که در عین حال هم سپرده‌گیر و هم سرمایه‌گذار بود. در انگلستان و آمریکا بتدریج بانک‌ها از صورت خانوادگی درآمدند و به شرکت‌های

سهامی مبدل گشتند، و بدین سان به رشد اقتصادی کشور از طریق سرمایه‌گذاری کمک می‌کردند و روحیه سرمایه‌داری را نیز در توده‌های گسترده مردم می‌دمیدند، و عامل مهمی برای رشد اقتصادی بیشتر پدید می‌آوردند. نقش بانکداری در رشد اقتصادی آلمان آشکارتر است و علت آن این است که این کشور بهمان نسبت که رشد خود را دیرتر شروع کرده سریع‌تر و متمرکزتر انجام داده است. بانک‌های آلمان ناگزیر بیش از آنچه سپرده داشته‌اند سرمایه‌گذاری می‌کرده‌اند، و بنابراین برای آن‌ها مسئله مهم جلب هرچه بیشتر پس‌اندازهاست. در نتیجه ساختمان نظام بانکی آلمان غیر از انگلستان و فرانسه است و بجای بانک‌های سپرده‌گیر بانک‌های سرمایه‌گذار در درجه اول اهمیت هستند. این بانک‌ها نخست نیاز مالی صنایع کشور را تأمین می‌کنند و سپس از همان صنایع سپرده‌های درازمدت دریافت می‌دارند.

در ژاپن نقش نظام بانکی در رشد اقتصادی بازهم بیشتر بوده و در عین حال اتکاء آن به دولت نیز افزون‌تر بوده است. بدین سان می‌توان نتیجه گرفت که بطور کلی کشورها هر قدر دیرتر رشد اقتصادی خود را آغاز می‌کنند بهمان نسبت نقش نظام بانکی و در نتیجه بانکداری خصوصی در این رشد افزون‌تر می‌گردد، و همزمان با آن دولت نیز وظائف مهمتری را در گسترش بانکداری به‌عهده می‌گیرد.

ب- تأثیر بانکداری خصوصی در عوامل اساسی رشد

کافه اقتصاددانان متفقند که رشد سالم باید دارای دو خصوصیت باشد، از یکسو رشد باید پایدار و مداوم باشد و به صورت مستمر ادامه یابد. یعنی هیچگاه افزایش تولید و تکامل کیفی آن متوقف نشود، چون هر توقف یا کاهش تولید موجب اتلاف ارزش‌های فراوان و خسارات بیشمار مادی و معنوی است. اما منظور ما از رشد مستمر الزاماً رشد فزاینده نیست. نرخ رشد ممکن است در یک مرحله فزاینده و در مرحله دیگر کاهش یافته باشد. این اشکالی ندارد و حتی در بعضی مواقع ضروری نیز هست. آنچه مهم است اینست که رشد قطع نشود و نکول جانشین آن نگردد. خصوصیت دیگر این است که رشد اقتصادی باید متعادل باشد یعنی در تمام رشته‌ها و بخش‌های تولید، هماهنگ پیش رود. رشد بیش از حد یک بخش یا رشته تولید، و بطور کلی تفاوت فاحش میان رشد بخش‌های مختلف موجب عدم تعادل اقتصادی و سرانجام وقفه، رکود و بحران می‌گردد. در این مقاله دینامیسم و استمرار رشد و تعادل آن همه جا سبب بررسی ما خواهد بود. در مورد عوامل مؤثر در رشد نیز تقریباً اتفاق نظر میان اقتصاددانان وجود دارد و چهار عامل طبیعت، سرمایه، نیروی انسانی و تکنولوژی را عموماً جزو عوامل اساسی رشد شناخته‌اند. از این چهار عامل، طبیعت، به دلائل متعدد نمی‌تواند مورد بحث ما باشد. لیکن بانکداری بطور اعم و بانکداری خصوصی، بویژه، می‌تواند نقش مؤثری در تأمین سه عامل دیگر انجام دهد.

منتها نقش آن‌ها در تأمین سرمایه مستقیم‌تر و اساسی‌تر از تأمین دو عامل دیگر است. از این رو بحث ما بیشتر در پیرامون نقش بانکداری خصوصی در تأمین سرمایه و نگاهداری رشد مستمر و متعادل از این طریق خواهد بود. بدین جهت نخست (۱) نقش بانکداری خصوصی را در تأمین سرمایه از نظر تحرك و استمرار رشد مورد مذاقه قرار خواهیم داد سپس (۲) نقش بانکداری خصوصی را در تأمین سرمایه از نظر تعادل رشد بررسی خواهیم کرد. آنگاه در باره (۳) نقش بانکداری خصوصی در تأمین استمرار و تعادل رشد از طریق آمادگی نیروی انسانی، و سرانجام (۴) در باره نقش آن در تأمین رشد از طریق تکنولوژی بحث خواهیم کرد.

۱- نقش بانکداری خصوصی در حفظ تحرك و استمرار

رشد اقتصادی از طریق تأمین سرمایه

نقش‌های عمده بانکداری خصوصی در این زمینه به قرار زیر است:

الف) بانکداری خصوصی سرمایه‌های پراکنده و راكد را جمع می‌کند و آنها را به صورت سرمایه‌های بزرگ متمرکز می‌سازد. ذخیره مختصر یک پیرزن یا کارمند باز نشسته که بدون وجود بانک‌ها قاعدتاً راکد می‌ماند و بتدریج مصرف می‌شود، اکنون به صورت پس‌انداز یا سپرده در بانک جمع می‌شود و از مجموع آنها میلیاردها ریال پدید می‌آید، که چرخ‌های اقتصادی کشور را به گردش در می‌آورد و به صورت مشارکت، وام و اعتبار به گسترش مؤسسات اقتصادی موجود کمک می‌کند یا مؤسسات جدیدی بوجود می‌آورد. بانکداری خصوصی از این نظر بخصوص در کشورهای رشدیابنده نقشی مؤثرتر از بانکداری دولتی انجام می‌دهد، چون اولاً برای تکرار خصوصی سببی است و طبیعتاً فعالیت بیشتر و نوآوری‌های افزون‌تری از خود نشان می‌دهد. ثانیاً بر اساس رقابت استوار است و این امر اصولاً موجب تحرك و ابتکار بیشتری در جمع‌آوری سرمایه‌های راكد و گسترش سپرده‌های گوناگون می‌شود. بر اثر این دو انگیزه یعنی ابتکار خصوصی و رقابت، بانکداری خصوصی تا اعماق اجتماع نفوذ می‌کند و به دورافتاده‌ترین روستاها گسترش می‌یابد، خفته‌ترین سرمایه‌ها را به تحرك در می‌آورد و سرمایه‌های عظیمی پدید می‌آورد، که در راه رشد اقتصادی کشور مسکن است بکار رود.

ب) بانکداری خصوصی نه تنها سرمایه‌های پراکنده و راكد موجود را جمع‌آوری و متمرکز می‌سازد بلکه نقش مؤثری در ایجاد سرمایه‌های جدید انجام می‌دهد. وجود حساب‌های پس‌انداز و تبلیغات وسیعی که برای آن انجام می‌گیرد، نه تنها سرمایه‌های کوچک موجود را جلب می‌کند، بلکه حس پس‌انداز را در قشرهای وسیع مردم بر می‌انگیزد و آنان را به پس‌انداز بیشتر تشویق و ترغیب می‌کند.

ج) بانکداری خصوصی تنها سرمایه‌ساز نیست، سرمایه‌گذار هم هست. سرمایه‌گذاری آن یا به صورت مستقیم یعنی مشارکت در کارخانه‌ها و یا به طور غیرمستقیم بوسیله دادن وام و اعتبار برای سرمایه‌گذاری است. مؤسسات تولیدی معمولا برای تأمین کمبود تنخواه گردان خود از اعتبارات کوتاه مدت بانک‌های تجاری استفاده میکنند، ولسی برای سرمایه‌گذاری بسه گرفتن وام یا اعتبارات دراز مدت متوسل می‌شوند. از این رو نقش اعتبارات دراز مدت در رشد اقتصادی کشور اساسی تر است و در کشورهای رشدیابنده باید بیشتر مورد توجه بانک مرکزی قرار گیرد.

د) نقش دیگر بانکداری خصوصی تشویق روحیه سرمایه‌گذاری و ابتکار در مردم است. وجود چنین روحیه‌ای یکی از عوامل ذهنی مؤثر رشد اقتصادی است، و علمای اقتصاد یکسوی از مشخصات جامعه‌های عقب مانده را فقدان چنین روحیه‌ای می‌شمارند. بانک‌های خصوصی با تسهیل بدست آوردن سرمایه و اعتبار از یک سو، و با کم کردن خطر ورشکستگی از سوی دیگر، این روحیه را در مردم تشویق می‌کنند.

ه) بانک‌های خصوصی علاوه بر این به گسترش تقاضا و مصرف محصولات داخلی نیز کمک می‌کنند. اعطای وام برای خرید مسکن، اتومبیل، تلویزیون و اثاثیه منزل کمک بزرگی به فروش این محصولات و تقویت سرمایه‌هائی است که آن‌ها را تولید کرده‌اند.

و) بانک‌های خصوصی با تسهیل معاملات ارزی، اعطای اعتبارات بازرگانی، کمک به افزایش واردات و صادرات نقش مهمی در رشد اقتصادی انجام می‌دهند.

ز) بانک‌های خصوصی از طریق خدمات اطلاعاتی و کارگزاری برای سرمایه‌گذاران نیز کمک مهمی به رشد اقتصادی می‌کنند. این نقش بانک‌های خصوصی، هر قدر گسترش اقتصادی بیشتر شود، مهم تر و مؤثرتر می‌گردد، به قسمی که در کشورهای صنعتی و رشد یافته یکی از مهمترین وظائف بانک‌ها را تشکیل می‌دهد.

البته بانک‌های دولتی نیز همین نقش‌ها را انجام می‌دهند منتها ابتکار و فعالیت بانک‌های خصوصی بیشتر و دست آنها بازر است، چون متکی بر سرمایه و مدیریت خصوصی می‌باشند.

۲- نقش بانکداری خصوصی در تأمین تعادل رشد از طریق سرمایه

طرق و وسائلی که بانکداری خصوصی می‌تواند به مدد آن‌ها این وظیفه را انجام دهد به قرار زیر است:

الف) بوسیله تغییر نرخ بهره پرداختی به سپرده‌های گوناگون و بهره دریافتی از وام‌ها و اعتبارات و تفکیک آن‌ها از یکدیگر و انتخاب مناسب‌ترین بهره برای بخش اقتصادی که باید تقویت شود.

ب) بوسیله تنوع در کیفیت وام‌ها و اعتبارهای اعطائی: مثلا بانک‌های خصوصی

وام‌ها و اعتبارهای درازمدت را از کوتاه مدت تفکیک می‌کنند، و شرایط متفاوتی برای آنها قائل می‌شوند. وام‌های درازمدت معمولاً بابت بهره کمتر و شرایط سهل‌تری است چون در سرمایه‌گذاری ثابت به کار می‌افتد و اثر مهمی در رشد اقتصادی دارد. همچنین بانک‌ها می‌توانند با افزایش مدت وام‌ها، جلو عقب بردن مهلت سررسید اعتبارات، کم یا زیاد کردن تعداد اقساط و مبلغ آن‌ها و طرق دیگر، سرمایه‌گذاری را در یک بخش تشویق و تسهیل و در بخش دیگر دشوار سازند و به این ترتیب به تعادل رشد اقتصادی کشور طبق برنامه و سیاست اقتصادی عمومی کمک کنند.

ج) بوسیله تغییر در نرخ تنزیل: اگر فشار تورمی شدید در کشور وجود دارد بانک‌ها معمولاً نرخ تنزیل را بالا می‌برند و اگر حجم پول برای رشد اقتصادی متعادل کافی نیست نرخ تنزیل را پائین می‌آورند. همچنین بانک مرکزی و بانک‌های دیگر می‌توانند برای اوراق بهادار مربوط به بخش‌های مختلف نرخ‌های تنزیل متفاوتی قائل شوند و باین وسیله سرمایه‌گذاری در یک بخش را تقویت یا تضعیف کنند.

د) بوسیله تغییر در شرایط اعطای وام‌ها و اعتبارات مصرفی:

در این حالت تأثیر به صورت غیر مستقیم انجام می‌گیرد. مثلاً اگر شرایط اعطای وام برای خرید مسکن آسان شد فعالیت ساختمانی افزایش خواهد یافت و سرمایه‌گذاری در این بخش بیشتر خواهد شد.

ه) بوسیله تغییر در گشایش اعتبارات جهت بازرگانی خارجی:

مثلاً برای تقویت صنایع اتومبیل‌سازی کافی است شرایط گشایش اعتبار برای اتومبیل‌های وارداتی را دشوار ساخت. یا اگر این صنعت - مانند کشور ما - محدود به زمینه مونتاژ است کافی است شرایط گشایش اعتبار برای وارد ساختن قطعات آن را تسهیل کرد.

لازم به تذکر است که هر یک از طرق و وسائل فوق مسکن است در جهت مخالف یعنی در راه ایجاد عدم تعادل اقتصادی نیز بکار رود. و چون بانکداری خصوصی طبیعتاً به دنبال ترغیب منافع خصوصی و جویای سود بیشتر است - و به مصالح عمومی کشور کمتر توجهی دارد - خطر ایجاد عدم تعادل از ناحیه فعالیت او زیاد است. بدیهی است چنانکه گفتم پیدایش عدم تعادل در رشد اقتصادی سرانجام منجر به وقفه و بحران می‌گردد، و به استمرار رشد نیز لطمه می‌زند. از این رو اگر بانکداری خصوصی و فعالیت آن تحت نظارت دقیق بانک مرکزی قرار نگیرد و با مقتضیات و نیازهای رشد اقتصادی کشور مطابقت داده نشود زیانش بیش از سود است. بیش از یک قرن آزمایش بانکداری در کشورهای صنعتی و صدها بحران ویران‌کننده این حقیقت را ثابت و مسلم ساخته است. تنها در ایالات متحده آمریکا طی بحران ۳۳-۱۹۲۹ بیش از ۸ هزار بانک خصوصی ورشکست شدند و میلیون‌ها نفر هست و نیست خود را از دست دادند و به رشد این کشور لطمات فراوانی وارد آمد. بنابراین هر عاملی که بتوان آن را جنبه مثبتی برای بانکداری خصوصی بشمار آورد، اگر فعالیت این

بانک‌ها تحت نظارت و هدایت شده نباشد و به صورت افسار گسیخته انجام گیرد، ممکن است نتیجه معکوس ببخشد و به عاملی منفی و مخرب تبدیل گردد. این درسی است که هرگز نباید آن را فراموش کرد.

۳- نقش بانکداری خصوصی در تأمین رشد از طریق تکنولوژی

در این زمینه نقش بانکداری خصوصی نسبتاً محدودتر از نقش او در زمینه تأمین سرمایه است. با وجود این چون بانک‌های خصوصی در بسیاری از صنایع و مؤسسات اقتصادی مشارکت دارند، یا به آن‌ها وام و اعتبار می‌دهند، برای آن‌ها لازم و مفید است که بازده این صنایع هرچه ممکن است بالاتر باشد و رشد آن‌ها به‌طور مستمر تأمین گردد و این امر به صورت عمده از طریق بهبود سازمان و تکنولوژی آن‌ها میسر تواند بود. بانک‌های خصوصی چون غالباً دارای ابعاد بزرگ هستند و در محیط فعالیت اقتصادی و مالی بین‌المللی وارد می‌باشند به خوبی می‌توانند بهترین و مناسب‌ترین سازمان و تکنولوژی را برای فلان کارخانه‌ای که در آن مشارکت دارند تشخیص دهند و از سوی دیگر با نفوذ مالی که در این مؤسسه دارند به آسانی می‌توانند این تکنولوژی و شکل سازمانی را به مدیران آن بقبولانند و در نتیجه بهترین رشد را برای این قبیل کارخانه‌ها و مؤسسات تأمین کنند. روش سنتی بانکداری آلمان در این زمینه نمونه جالبی است. بانک‌های بزرگ آلمان معمولاً به کارخانه‌ها و مؤسسات اعتبار می‌دهند، یا در آن‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنند، که فعالیت اقتصادی را با فعالیت علمی توأم ساخته باشند.

۴- نقش بانکداری خصوصی در تأمین رشد از طریق آمادگی نیروی انسانی

در این زمینه گرچه امکانات بانکداری خصوصی از جهت عینی بسیار ضعیف و تقریباً هیچ است اما از جهت ذهنی می‌تواند مؤثر باشد. گرچه بانک‌ها برای افزایش نیروی انسانی با تعلیم و تربیت آن کار مهمی نمی‌توانند انجام دهند، لیکن با کمک به جلوگیری از تورم و تثبیت قیمت‌ها و تأمین زندگی طبقات کم درآمد بوسیله تشویق پس‌انداز و انجام خدمات مصرفی می‌توانند گام‌های کم و بیش مؤثری در جهت بالا بردن سطح زندگی عمومی و ایجاد یک روحیه سالم در طبقات زحمتکش بردارند.

ج- وضع کنونی بانکداری خصوصی و موقعیت آن در سیستم بانکی

در حال حاضر ۲۸ بانک خصوصی در کشور با فعالیت دارند که ۲۲ عدد آن‌ها تجاری ۳ عدد تخصصی و ۳ عدد دیگر ناحیه‌ای هستند. اساسی این بانک‌ها و تاریخ تأسیس آن‌ها به ترتیب الفباء به قرار زیر است:

تاریخ تأسیس	نام	شماره	الف) بانک‌های تجاری خصوصی:
۲۰۱۷	بانک اعتبارات ایران	۱-	
۲۰۱۸	بانک اعتبارات تعاونی و توزیع	۲-	
۲۰۱۷	بانک ایران وانگلیس	۳-	
۲۰۱۸	بانک ایران و خاور میانه	۴-	
۲۰۳۴	بانک ایران و عرب	۵-	
۲۰۳۴	بانک ایرانشهر	۶-	
۲۰۱۸	بانک ایرانیان	۷-	
۲۰۰۸	بانک بازرگانی ایران	۸-	
۲۰۳۴	بانک بین‌المللی ایران	۹-	
۲۰۱۸	بانک بین‌المللی ایران و ژاپن	۱۰-	
۲۰۱۱	بانک پارس	۱۱-	
۲۰۱۷	بانک تجارت خارجی	۱۲-	
۲۰۱۷	بانک تجارتي ایران و هلند	۱۳-	
۲۰۱۱	بانک تهران	۱۴-	
۲۰۳۲	بانک داریوش	۱۵-	
۲۰۲۰	بانک رفاه کارگران	۱۶-	
۲۴۸۳	بانک روس و ایران	۱۷-	
۲۰۳۲	بانک شهریار	۱۸-	
۲۰۱۱	بانک صادرات ایران	۱۹-	
۲۰۳۲	بانک صنایع ایران	۲۰-	
۲۰۱۱	بانک عمران	۲۱-	
۲۰۱۷	بانک کار	۲۲-	
۲۰۱۸	بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران	۲۳-	ب) بانک‌های تخصصی خصوصی:
۲۰۳۲	بانک توسعه و سرمایه‌گذاری ایران	۲۴-	
۲۰۳۳	بانک ساختمان	۲۵-	
۲۰۳۴	بانک گسترش آذربایجان	۲۶-	ج) بانک‌های ناحیه‌ای خصوصی:
۲۰۳۴	بانک گسترش خزر	۲۷-	
۲۰۳۴	بانک گسترش خوزستان	۲۸-	

جمع کل دارائی‌های بانک‌های تجاری خصوصی در پایان سال ۲۰۳۴ شاهنشاهی ۱۲۱۸۴/۵ میلیارد ریال و کل دارائی‌های بانک‌های تجاری (خصوصی و دولتی) ۱۹۱۰/۶ میلیارد ریال بوده و بدین ترتیب بانک‌های تجاری خصوصی ۶۲ درصد کل دارائی‌بانک‌های تجاری را داشته‌اند.

از نظر سپرده‌ها از ۱۰۳۵/۳ میلیارد ریال کل سپرده‌های بانک‌های تجاری ۶۰۲/۹ میلیارد سهم بانک‌های تجاری خصوصی بوده است که ۵۸/۲ درصد می‌شود. در میان سپرده‌ها سهم بانک‌های تجاری خصوصی در سپرده‌های مدت‌دار به‌طور قابل ملاحظه‌ای بیشتر و سهم آن‌ها در سپرده‌های دیداری نسبتاً کمتر بوده است. از ۲۹۷ میلیارد ریال کل سپرده‌های دیداری بانک‌های تجاری ۱۶۰/۳ میلیارد یعنی ۵۳/۹ درصد سهم بانک‌های تجاری خصوصی بوده است، و از ۱۴ میلیارد ریال سپرده مدت‌دار بانک‌های تجاری ۲۵۸ میلیارد یعنی ۶۲/۳ درصد سهم بانک‌های تجاری خصوصی بوده و از ۳۲ میلیارد ریال سپرده پس‌انداز بانک‌های تجاری ۱۸۴/۴ میلیارد ریال یعنی ۵۶/۹ درصد سهم بانک‌های تجاری خصوصی بوده است. از این ارقام معلوم می‌شود که اولاً سهم بانک‌های تجاری خصوصی از نظر کل دارائی‌های بانک‌های تجاری بیشتر است تا سهم آن‌ها از نظر سپرده‌ها، ثانیاً در میان سپرده‌ها نیز سهم بیشتری از نظر سپرده‌های مدت‌دار دارند تا از جهت سپرده‌های دیداری، به عبارت دیگر بخش خصوصی و مردم بیشتر تمایل دارند که سپرده‌های مدت‌دار خود را در بانک‌های خصوصی بگذارند، در حالیکه از نظر سپرده‌های دیداری این تمایل نسبتاً کمتر است و از نظر سپرده‌های پس‌انداز وضعی میان این دو قشر دارند. سهم بانک‌های تجاری خصوصی در پایان سال ۲۰۳۴ از جهت اعتبارات و وام‌ها و مطالبات دیگر بطور قابل ملاحظه‌ای بیش از سهم بانک‌های تجاری دولتی است. از ۸۵۳/۷ میلیارد ریال مطالبات بانک‌های تجاری ۴۷۹/۷ میلیارد یعنی ۵۶/۲ درصد سهم بانک‌های تجاری خصوصی بوده است. از اینجاست معلوم می‌شود که بانک‌های تجاری خصوصی بالنسبه بیشتر سپرده‌های مردم را جذب می‌کنند و کمتر به آن‌ها اعتبار و وام می‌دهند تا بانک‌های تجاری دولتی. البته این مقایسه از نظر مقدار مطلق نیست بلکه از نظر مقدار نسبی است. از نظر مقدار مطلق در دستگاه بانک‌های تجاری هم قسمت اعظم دارائی‌ها، هم بخش بیشتر سپرده‌ها و هم بخش اعظم اعتبارات و وام‌ها در دست بانک‌های تجاری خصوصی است. اما از نظر نسبی سهم بانک‌های تجاری خصوصی در دارائی‌ها بیشتر از سپرده‌ها و سهم آن‌ها در سپرده‌ها بیشتر از مطالبات است.

اما در پایان سال ۲۰۳۴ بدهی بخش خصوصی (جمع اعتبارات، وام‌ها و مطالبات بانک‌ها در بخش خصوصی) به سپرده‌ها (دیداری و مدت‌دار و پس‌انداز) برای بانک‌های تجاری دولتی بیشتر است تا برای بانک‌های تجاری خصوصی. این نسبت برای بانک‌های تجاری خصوصی

جدول (۱)

سوقیت بانک‌های تجاری خصوصی در دستگاه بانک‌های تجاری در پایان

سال ۲۰۳۴ (به میلیون ریال) *

سهم بانک‌های خصوصی	بانک‌های تجاری	بانک‌های تجاری خصوصی	
۶۳٪	۱۹۱۰۶۵۷	۱۱۸۴۵۵۹	دارائی‌ها
۵۳/۹٪	۲۹۷۰۸۱	۱۶۰۳۰۹	سپرده‌های دیداری
۶۲/۳٪	۴۱۴۰۷۴	۲۵۸۱۶۵	سپرده‌های مدت‌دار
۵۶/۹٪	۳۲۴۱۳۴	۱۸۴۴۲۷	سپرده‌های پس‌انداز
۵۸/۲٪	۱۰۳۵۲۹۰	۶۰۲۹۰۱	جمع سپرده‌ها
۵۶/۲٪	۸۵۳۶۸۵	۴۷۹۷۱۴	اعتبارات، وام‌ها و مطالبات دیگر
۴۴/۵٪	۷۵۰۰	۳۳۴۳	شراکت

* مآخذ: ترازنامه بانک‌های تجاری در سال ۲۰۳۴

۷۹/۵۷ درصد است، یعنی بانک‌های تجاری خصوصی رویهم‌رفته نزدیک به ۸۰٪ کل سپرده‌های خود را صرف دادن اعتبار و وام و غیره می‌کنند. در حالیکه برای بانک‌های تجاری دولتی این نسبت ۸۶/۴۹ درصد است یعنی این بانک‌ها تقریباً هفت درصد بیشتر از بانک‌های تجاری خصوصی از سپرده‌های خود را صرف پرداخت وام و اعتبار می‌کنند. ضمناً از مشاهده و مقایسه ریز ارقام مطالبات و سپرده‌های بانک‌های تجاری معلوم می‌شود که تفاوت نسبت مزبور (مطالبات به سپرده‌ها) در میان بانک‌های تجاری خصوصی خیلی زیاد است بطوری که در نزد بعضی از آنها به حدود ۵۰ درصد نزدیک می‌شود و در نزد بعضی دیگر از میانگین ۷۹/۵۷ درصد خیلی بالاتر می‌رود. در حالیکه هماهنگی در نسبت مزبور بین بانک‌های تجاری دولتی کاملاً محسوس است.

از نظر حساب سرمایه (سرمایه پرداخت شده + اندوخته‌های قانونی و سایر اندوخته‌ها) و سود ویژه و نسبت آن‌ها، یعنی بازده سرمایه واقعی نیز تفاوت مهمی میان بانک‌های تجاری خصوصی و بانک‌های تجاری دولتی وجود دارد. حساب سرمایه بانک‌های تجاری خصوصی در پایان سال ۲۰۳۴ ۲۵۳۴ شاهنشاهی ۹۲/۲ میلیارد ریال یعنی ۷۰/۵۶ درصد کل حساب سرمایه بانک‌های تجاری (۸۸/۲ میلیارد ریال) است، در حالیکه سود ویژه آن‌ها ۱۱/۷ میلیارد ریال یعنی فقط ۶۰ درصد کل سود ویژه بانک‌های تجاری (۱۹/۵ میلیارد ریال) می‌باشد. در مقابل حساب سرمایه بانک‌های تجاری دولتی ۲۵/۹ میلیارد ریال یعنی ۴۹/۴۴ درصد کل حساب سرمایه بانک‌های تجاری است، ولی سود ویژه آن‌ها ۷/۸ میلیارد ریال، یعنی ۴ درصد کل سود ویژه

بانک‌های تجاری می‌باشد. به عبارت دیگر بانک‌های تجاری دولتی به نسبت سرمایه واقعی خود سود نسبتاً بیشتری از بانک‌های تجاری خصوصی برده‌اند. این نکته را به صورت دیگری نیز می‌توان تشخیص داد، یعنی از مقایسه بازده سرمایه واقعی بانک‌های تجاری خصوصی و بانک‌های تجاری دولتی. در حالیکه بازده سرمایه واقعی بانک‌های تجاری دولتی یعنی نسبت سود ویژه آن‌ها به حساب سرمایه‌شان ۳٪ است بازده سرمایه واقعی بانک‌های تجاری خصوصی فقط ۱۳٪ می‌باشد.

جدول (۲)

مقایسه حساب سرمایه، سود ویژه بازده سرمایه بانک‌های تجاری خصوصی و تجاری دولتی
(سیلیون ریال)*

بازده سرمایه	سهم در سود	سهم در حساب	حساب سرمایه
واقعی	ویژه کل	سرمایه کل	(سرمایه پرداخت شده - اندوخته‌ها)
سود ویژه - حساب سرمایه	بانک‌های تجاری	بانک‌های تجاری	سود ویژه
۳۰٪	۶۰٪	۷۰/۵۶٪	۶۲۲۵۰/۴
۱۳٪	۴۰٪	۲۹/۴۴٪	۲۵۹۷۱/۱
۱۰۰٪	۱۹۵۰۰/۸	۱۰۰٪	۸۸۲۲۱/۵

* مآخذ: ترازنامه‌های بانک‌های تجاری در سال ۲۵۳۴ شاهنشاهی.

نتیجه‌ای که از این مقایسه گرفته می‌شود تفاوت فاحش میان بازده بانک‌های تجاری خصوصی با دولتی است. ظاهراً یکی از علل این پدیده غیر طبیعی تمرکز نسبتاً کافی بانک‌های تجاری دولتی است که تقریباً تمام سرمایه و فعالیت آن در دو بانک بزرگ (ملی و سپه) متمرکز گردیده است، در حالیکه فعالیت بانک‌های تجاری خصوصی در ۲۱ بانک پراکنده می‌گردد. و این نشانه آنست که بانکداری خصوصی ما هنوز مراحل جوانی خود را می‌پیماید و به مرحله کمال و پختگی نرسیده است. علت دیگر سابقه زیادتر و مسن‌تر بودن بانک‌های تجاری دولتی است که دو بانک عمده آن بیش از ۵۰ سال از عمرشان می‌گذرد در صورتی که قدیمی‌ترین بانک‌های تجاری خصوصی بیش از بیست و چند سال سابقه ندارند. عامل دیگر موقعیت خاص بانک ملی در گذشته است که بیش از سی سال نقش بانک مرکزی را انجام می‌داده، و بر اقتصاد کشور مسلط بوده است. بهر حال علل این پدیده هرچه باشد یک حالت طبیعی و بطور درازمدت قابل تحمل نیست و برای رشد اقتصادی کشور نیز نمی‌تواند مفید باشد. باید کوشید تا در آینده تناسب بیشتری بین بازده بانک‌های تجاری برقرار گردد.

د- تأثیر گسترش بانکداری در رشد اقتصادی ایران

برای اینکه تأثیر گسترش بانکداری خصوصی را در رشد اقتصادی کشور بسنجیم متأسفانه آمار و داده‌های کافی برای یک سنجش مستقیم در اختیار ما نیست. از اینرو ناگزیریم روش سنجش غیر مستقیم را انتخاب کنیم، باین معنی که نخست دورنمایی از رشد اقتصادی ایران را در سال‌های ۲۵۳۲ و ۳۳۳۴ ترسیم کنیم، سپس دورنمایی از گسترش سیستم بانکی کشور را در همان سال‌ها عرضه داریم. آنگاه با مقایسه بعضی از ارقام این دو دورنما که منطقیاً باید با هم پیوستگی و ارتباطی داشته باشند نتایج کلی استنباط کنیم.

جدول (۳)

جدول زیر نمودار رشد درآمد و تولید ناخالص ملی به قیمت جاری در سال‌های

مربور است، واحد میلیارد ریال *

سهم در تولید		درصد تغییر		ارزش افزوده			بخش
ناخالص داخلی							
۲۵۳۴	۲۵۳۳	۲۵۳۴	۲۵۳۳	۲۵۳۴	۲۵۳۳	۲۵۳۲	
۹/۴	۹/۸	۱۰/۱	۲۹/۴	۳۳۳	۳۰۳	۲۳۴	گروه کشاورزی
۳۶/۸	۴۵	- ۵/۵	۱۶۱/۴	۱۳۱۱	۱۳۸۸	۵۳۱	گروه نفت
۱۹/۳	۱۵/۴	۴۵/۳	۴۲/۸	۶۸۹	۴۷۴	۳۳۲	گروه صنعتی
۲۴/۵	۲۹/۸	۲۴/۲	۴۰/۱	۱۲۳۱	۹۱۸	۶۵۵	گروه خدمات
۱۰۰	۱۰۰	۱۵/۷	۷۵/۹	۳۵۶۷	۳۰۸۴	۱۷۵۳	تولید ناخالص داخلی
		۳۳	۳۸/۸	۲۲۵۵	۱۶۹۶	۱۲۲۲	تولید ناخالص داخلی بدون نفت
		۱۵/۴	۷۲/۷	۳۶۳۷	۳۱۵۰	۱۸۲۴	درآمد ناخالص ملی
		۳۲/۷	۳۴/۲	۱۶۲	۱۲۲	۹۱	استهلاک سرمایه‌های ثابت
		۱۴/۶	۷۹/۹	۳۴۱۵	۲۹۸۰	۱۶۵۶	درآمد ملی

* ماخذ: گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی ایران سال ۲۵۳۴.

طبق این جدول رشد تولید ناخالص داخلی ظاهراً تنزل فاحشی نشان می‌دهد که از حدود ۷۶ درصد به ۱۵/۷ درصد کاهش یافته است. اما این تنزل ظاهری است و قسمت اعظم آن مربوط به کاهش تولید گروه نفت است که بستگی به عوامل خارجی داشته و آنرا نباید بحساب رشد واقعی کشور گذاشت. رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت فقط نزدیک به ۶ درصد کاهش نشان می‌دهد

(۸/۳۸ به ۳۳ درصد) که آن هم مربوط به کاهش رشد در گروه خدمات است و می توان حدس زد که در قسمت اعظم ناشی از همان کاهش تولید و درآمد در گروه نفت بوده است. در حقیقت رشد تولید داخلی به قیمت جاری تقریباً ثابت مانده و حدود ۳۳ درصد بوده است. درصداستهلک سرمایه های ثابت نیز در همین حدود (۲/۳۴ و ۷/۳۲ درصد) و مؤید نظر ماست.

رشد هزینه ناخالص ملی و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی و پس انداز ملی در جدول زیر نموده میشود.

جدول (۴)

واحد میلیارد ریال به قیمت جاری*

موضوع	مبلغ		درصد تغییر		سهم در تولید ناخالص داخلی	
	۲۰۳۲	۲۰۳۳	۲۰۳۲	۲۰۳۳	۲۰۳۲	۲۰۳۳
هزینه های مصرفی خصوصی	۸۹۸	۱۲۴۲	۳۸/۳	۳۸/۳	۲۳/۴	۲۳/۴
هزینه های مصرفی دولتی	۳۲۵	۵۸۱	۷۸/۶	۷۸/۶	۳۲/۳	۳۲/۳
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی	۳۶۳	۵۶۳	۵۵	۵۵	۹۵/۴	۹۵/۴
الف (۱) ماشین آلات بخش خصوصی	(۸۳)	(۹۷)	۱۷/۷	(۲۷۱)	۱۷۸	۳/۱
الف (۲) ماشین آلات بخش دولتی	(۵۷)	(۱۱۰)	۹۳	(۱۹۰)	۷۳/۳	۲/۵
ب (۱) ساختمان بخش خصوصی	(۷۷)	(۱۰۱)	۳۱/۶	(۱۸۱)	۷۸/۳	۳/۲
ب (۲) ساختمان بخش دولتی	(۱۴۵)	(۲۵۳)	۷۳/۸	(۴۵۶)	۸۰	۸/۱
خالص صادرات کالا و خدمات	۲۳۷	۷۶۴	۲۲۲	۲۳۴	-۶۹/۴	۲۴/۳
هزینه های خالص ملی درآمد ناخالص	۱۸۲۴	۳۱۵۰	۷۲/۷	۳۶۳۷	۱۵/۴	۱۰۰/-
پس انداز ملی	۶۰۰	۱۳۲۷	۱۲۱	۱۳۳۴	-/۵	۴۲/۱

* مآخذ: گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی ایران سال ۲۰۳۴.

از جدول چهار استنباط می‌شود که کاهش شدیدی که در آهنگ رشد هزینه ناخالص ملی روی داده (از ۷۲/۷ درصد به ۱۵/۴ درصد) در درجه اول به صادرات کالاها و خدمات تحمیل شده که عنصر اصلی آن کاهش اجباری صادرات نفت بوده است. در درجه دوم به هزینه های مصرفی دولتی و در درجه سوم به هزینه های مصرفی خصوصی تحمیل شده است. برعکس رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی افزایش فوق العاده یافته که در درجه اول صرف تهیه ماشین آلات برای بخش خصوصی (از ۱۷/۷ به ۱۷۸ درصد) و هزینه ساختمان در بخش خصوصی شده است، همچنین معلوم می‌گردد که در سال ۲۵۳۴ مبلغ ۵۳۷ میلیارد ریال بر تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی افزوده شده و من جمله ۲۷۱ میلیارد ریال یعنی ۱۷۴ میلیارد ریال بیش از سال قبل از جانب بخش خصوصی صرف خرید ماشین آلات شده است. در مقابل کل ارزش افزوده صنایع و معادن در این سال ۳۸۳ میلیارد ریال بوده، که قسمت مهمی از آن به بخش دولتی تعلق داشته است. بدین ترتیب معلوم می‌شود که بخش خصوصی صنعتی خیلی بیش از کسب ارزش افزوده خویش صرف سرمایه گذاری کرده است. این سرمایه گذاری هنگامت بطور عمده از طرف بانک های خصوصی باید تأمین شده باشد.

اکنون نگاهی به ترازنامه سیستم بانکی و گسترش آن بیافکنیم. در جدول شماره (۵) گسترش سیستم بانکی در سال های ۲۵۳۲ تا ۲۵۳۴ در اقلام عمده آن مشاهده می‌گردد.

جدول (۵) واحد میلیارد ریال

	پایان ۲۵۳۲	پایان ۲۵۳۳	پایان ۲۵۳۴
سپرده های دیداری	۱۱۶	۱۹۶	۲۶۴
سپرده های غیر دیداری	۳۱۳	۴۸۲	۶۹۹
جمع سپرده ها	۴۲۹	۶۷۸	۹۶۳
دارائی ها	۸۴۸	۱۴۲۰	۲۱۴۲
بدهی بخش خصوصی			
به بانک ها	۴۹۴	۷۰۴	۱۰۹۲

* مآخذ: گزارش سالانه و ترازنامه بانک مرکزی ایران در سال ۲۵۳۴.

نگاهی به این ارقام نشان می‌دهد که بدهی بخش خصوصی به بانک ها در سال ۳۴ برابر ۳۸۸ میلیارد ریال افزایش یافته در حالیکه این افزایش در سال ۳۳ برابر ۲۱۰ میلیارد بوده است. به عبارت دیگر افزایش حجم وام ها و اعتبارات و مطالبات دیگر بانک ها از بخش خصوصی در سال ۳۴ تقریباً دو برابر سال قبل بوده است، و با توجه به افزایش هنگامت سرمایه گذاری در بخش صنعتی خصوصی می‌توان دریافت که قسمت اعظم آن از محل اعتبارات بانکی و بویژه بانک های خصوصی تأمین گردیده است.

در ضمن مشاهده می‌شود که جمع سپرده‌های (قسمت اعظم سپرده‌های ثابت و پس‌انداز) بانک‌ها ۲۸۵ میلیارد ریال افزایش یافته است یعنی بانک‌ها حدود ۱۰۰ میلیارد ریال بیش از آنچه از بخش خصوصی به صورت سپرده گرفته‌اند به آن به صورت وام و اعتبار و غیره برگردانده‌اند، و چنانکه قبلاً دیدیم قسمت اعظم این مبلغ از جانب بانک‌های خصوصی بوده است. در حالیکه در همین سال بانک مرکزی به بانک‌ها بخصوص بانک‌های خصوصی توصیه می‌کرده است که اعطای اعتبارات و وام‌ها را محدود کنند. نتیجه‌ای که از این مقایسه می‌گیریم این است که بانک‌های خصوصی بیش از حد لازم به رشد بخش خصوصی کمک کرده‌اند، و احتمالاً ممکن است در جهت عدم تعادل رشد این بخش اقدام کرده باشند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی